

نزدیک به ۲۰ روز از حادثه دلخراش فوت سربازان یادگان ۰۵ کرمان گذشت؛ واقعه‌ای که طی یک هفته خبر اول رسانه‌ها شد و تحلیل و اظهارنظرهای فراوانی از علت حادثه و مقصران تا «زخم کهنه» مساله اجباری بودن سربازی در فضاهای مجازی و غیرمجازی مطرح شد. شاید در همان هفته نخست تحلیل‌یا اظهارنظری درباره این حادثه مطرح می‌شد، رنگ و بوی «احساسی» و «سیاسی» بودن به خود می‌گرفت اما حال و پس از گذشت نزدیک به ۲۰ روز از این حادثه می‌توان یک نگاه آماری و «فنی» به مقوله سربازی داشت. در همین ابتدا باید گفت قطعا مسؤولان نیروهای مسلح و همه کسانی که در قانون «۱۰۰ساله» نظام وظیفه عمومی دخیل هستند؛ قطعا از هزینه- فایده «سربازی اجباری» اطلاع دارند اما دلایل مختلفی از جمله عدم وجود یک تصمیم جدی و نبود قوانین «عطف‌پذیر» برای درمان همیشگی این «زخم از بدن جوانان و خانواده‌ها» باعث شده این زخم «عفونت» کند و همان می‌شود که امروز در جامعه «جوان» کشور مشاهده می‌شود. هدف این مقاله حذف سربازی نیست بلکه بررسی راهکارهای «عملیاتی» است که طی سال‌های گذشته همواره از سوی «متخصصان» طرح شده است. به این معنی این مقاله می‌کوشد یک مدل «بهینه‌شده» برای افزایش کارآیی کیفی و کمی ارائه کند.

۱-قوانین‌مناقشه‌انگیز

بدون شک برای ورود به هر مساله و اصلاح آن باید وضعیت نهادهای قانونی آن مورد بررسی قرار گیرد، در مساله نظام وظیفه عمومی هم یکی از محل‌های مورد مناقشه قانون‌گذار است به طوری که طی چند سال اخیر همواره هر نوع طرح یا اظهارنظری درباره مساله سربازی از طرف نمایندگان مجلس با واکنش شدیدی از سوی مسؤولان نظام وظیفه همراه بوده است. به طور نمونه در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی نظام وظیفه با صدور اطلاعیه خواستار عدم ورود نمایندگان به مساله سربازی شد: «با توجه به اینکه سربازی به توان رزمی نیروهای مسلح و بنیه دفاعی کشور ارتباط دارد، قطعا تصمیم‌گیری در مورد آن از سوی ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه سربازی با موضوع امنیت و بنیه دفاعی کشور در ارتباط است، بنابراین نمی‌توان به این موضوع به عنوان یک مساله احساسی و در یک فضای تبلیغاتی و انتخاباتی نگاه کرده و اظهار نظر کرد بنابراین تاکید ما این است که حوزه سربازی ورود نکنند اسلامی این امر به جهت سربازی و امنیت است و با دادن برخی از وعده‌هایی که اجرایی نبوده یا احتمال آن ضعیف است برای جوانان و مشمولان مشکل ایجاد نکنند.»

■ **صلاحیت اختصاصی مجلس شورای اسلامی در اصلاح قانون سربازی**

احمد سعیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد در پژوهشی در این باره می‌نویسد: در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی یگانه نهاد قانون‌گذاری کشور است. مع ذلک در موضوع سربازی نیز مجلس اختیار تام دارد؛ چرا که «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قوانین اساسی می‌تواند قانون وضع کند.» (اصل ۷۱) نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از طریق انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند، نمایانگر اراده عمومی‌اند و در کنار سایر نهادهای منتخب همچون مجلس خبرگان، شوراهای اسلامی شهر و روستا و ریاست‌جمهوری، تجلی مردمسالاری دینی در جمهوری اسلامی هستند. سلب حق اساسی این نهاد در قانون‌گذاری، موجب هیچ شخص یا نهادی پذیرفته نیست و موجب هتک و تعرض به قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی و سند زمامداری می‌شود.

اما در مسیر اصلاح و الغای اجبار به سربازی ممکن است شیبات سستنی نیز طرح شود که پردازش و رفع آنها، منجر به خلع سلاح کامل حریف می‌شود. تجربه و سوابق امر، حاکی است بعضا برخی مقامات، قائل به اختیار تام مجلس در تغییر قوانین مربوط به سربازی، بدون آذن و اطلاع ایشان نیستند.

■ **اصل ۷۵ قانون اساسی و شبهه‌های دیگر**
شبهه احتمالی دیگر در این زمینه از اصل ۷۵ قانون اساسی برمی‌خیزد که می‌گوید: «طرح‌های قانونی و پیشنه‌ها و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوائح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.» معنای اصل اخیر این است که متون ابلاغی در صورتی که با مال داشته ولی منبع آن پیش‌بینی نشده، باید توسط شورای نگهبان رد شود. درباره این اصل نیز چند نکته وجود دارد:

اولا الغای سربازی، نه فقط مستقیما بار مالی بر دوش قوه مجریه نمی‌گذارد، بلکه هزینه‌های ناشی از حقوق ناچیز و خوراک و پوشاک و بیمه سربازان را نیز منتفی می‌نماید. دولت و نیروهای مسلح، می‌توانند با تجمیع این هزینه‌های صرفه‌جویی شده، تعداد کمتری نیروی زبده ولی با انگیزه را برای انجام خدمات سربازان اجباری سابق به استخدام درآورند. در این صورت، ضعف ناشی از

کاهش تعداد سربازان بی‌انگیزه، توسط بالا رفتن کیفیت سربازان مختار و علاقه‌مند که حقوق مکفی دریافت می‌دارند، جبران می‌شود.
ثانیا ممکن است گفته شود بعد از رفتن سربازان اجباری که با حقوق ناچیزی به کار گرفته شده بودند، هزینه‌های جدیدی برای جبران فقدان آنها بر دوش دولت گذاشته می‌شود. در این باره باید گفت چنان استنباطی از این اصل پذیرفته نیست، چرا که تریخس سربازان اجباری مستقیما منجر به افزایش هزینه عمومی نمی‌شود.
ثالثا مجلس شورای اسلامی، با همراهی دولت، دلسوزان نیروهای مسلح و نخبگان جامعه، می‌تواند مبتکر طرح‌هایی برای دوران گذار از سربازی اجباری باشد تا تبعات ناشی از وابستگی ساختاری نادرست به سربازی اجباری را کاهش دهد.

۲- **هزینه‌های آشکار و پنهان**

بدون شک پایین بودن بهره‌وری مدل فعلی وظیفه عمومی یکی از «تلخ‌ترین» واقعیات است؛ و اکثر جوانان بویژه گروه تحصیل‌کرده، از اتلاف وقت‌شان در دوران سربازی شکایت می‌کنند. اکثر نیروهای تحصیلکرده احساس می‌کنند که در دوران سربازی مدت کمی از روز را به کاری مشغول می‌شوند که مناسب توانایی آنها نیست و بقیه روز را به بیکاری یا رفت و آمد به محل خدمت سپری می‌کنند. اگر ۱۸ ماه یا ۲ سال وقت جوانان با دوره سربازی اجباری بیهوده تلف نشود و آن دسته از آنها که امکان دارند بتوانند در آن

مدت به کار و حرفه‌ای مشغول شوند یا تحصیل کنند نتایج آن هم برای اقتصاد جامعه و هم برای خود آن افراد مفید خواهد بود. البته این تنها «هزینه» آشکار نیست. دکتر علینقی مشایخی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف در مقاله‌ای دربار «هزینه‌های پنهان» می‌نویسد: هزینه‌های پنهان، آن چیزی است که در حسابداری ثبت نمی‌شود و از هزینه‌های حسابداری متمایز است. هزینه‌های پنهان قانون سربازی اجباری شامل آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های روانی فرد، هزینه فرصت نیروهای به‌کار رفته (یعنی اگر فرد در نیروهای نظامی مشغول به کار نشود چه میزان ارزش افزوده تولید خواهد کرد)، بالا رفتن سن ازدواج، خروج نخبگان از کشور و ادامه تحصیل بی‌رویه مشمولان سربازی در دانشگاه‌ها برای عقب انداختن سربازی …و.. است.

البته همین مساله نیز محلی از مناقشه است و مسؤولان «فعلی» نظام وظیفه نه‌تنها به این مساله اعتراف نکرده‌اند، بلکه اظهارات کاملا متناقضی دارند. معاون نیروی انسانی ستادکل نیروهای مسلح در دی‌ماه سال گذشته در مصاحبه‌ای می‌گوید: هزینه‌های سربازی زیاد نیست و تعداد اندکی از سربازان هزینه به خانواده تحمیل می‌کنند(یا همین مقام مسؤول در جایی دیگر از «رضایت ۸۰ درصدی خانواده‌ها» از قوانین فعلی سربازی می‌گوید!)

با اینکه رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان سیستان و بلوچستان اخیرا در اظهاراتی گفته است: تلاش فرماندهان در زمینه پرکردن اوقات فراغت سربازان با ورزش و برنامه‌های فرهنگی و تفریحی در کاهش بیکاری این قشر مفید و موثر است. پیشنهاد فروش سربازی برای عده‌ای و تجمیع عایدی آن برای پرداخت به افرادی که به خدمت اجباری می‌آیند هم معقول نیست، چرا که این اساسا به تبعیض و بی‌عدالتی منجر می‌شود. قشری متمول که سربازی را می‌خرند و قشری مستضعف که بار سربازی همواره بسر دوش آنها خواهد بود، که به تعبیر دیگر جان نیز قابل معامله خواهد شد، کسی که



نسخه‌ای برای بهینه کردن خدمت سربازی

اجباری، حرفه‌ای یا داوطلبانه؟!

- محمدرضا حیاتی

در طبقه بالادست اقتصادی است می‌تواند بر سر

جان خود معامله کند و آن که در طبقه فرودست است مجبور به دادن جان می‌شود.

۳- **آمارها چه می‌گویند؟**

همانطور که در ابتدا اشاره شد، برای درمان زخم کهنه جوانان و خانواده‌ها باید یک «همت مضاعف» و «عزم جدی» در بین مسؤولان وجود داشته باشد اگرنه حتی راهکارهای دقیق پذیرفته نیست، چرا که تریخس سربازان اجباری مستقیما منجر به افزایش هزینه عمومی نمی‌شود. اگر طبق اعلام رسمی سازمان نظام وظیفه تعداد سربازان را در هر سال ۸۰۰هزار نفر بدانیم، و دیگر آمار و ارقامی را که توسط همین مسؤولان در مصاحبه‌های خود اعلام می‌کنند، در کنار هم گزاریم به نتایج قابل تاملی می‌رسیم.

دکتر علیمردی یکی از افرادی است که به

سربازان با مدرک کاردانی باید حدودا متولد سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۳ باشند. سربازانی که مدرک کارشناسی دارند، به احتمال زیاد زاده سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲ خواهند بود و سربازان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای (مانند پزشکان عمومی) در سال‌های ۷۱-۱۳۶۸ به دنیا آمده‌اند.

سربازان با مدرک کاردانی باید حدودا متولد سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۲ باشند. سربازانی که مدرک کارشناسی دارند، به احتمال زیاد زاده سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲ خواهند بود و سربازان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای (مانند پزشکان عمومی) در سال‌های ۷۱-۱۳۶۸ به دنیا آمده‌اند.

یعنی تقریبا همگی دهه هفتادی هستند؛ دهه‌ای که آثار سیاست‌های کاهش رشد جمعیت رخ نمود و نرخ رشد سالانه آن را از بیشینه ۳/۷ درصد در زمان جنگ به حدود ۱/۷ درصد کاست و ایران یکی از کشورهای بسیار کامیاب در اجرای این سیاست‌ها بود.

جمعیت که از حدود ۳۶ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ با جهشی تقریبا ۱/۵۰ درصدی به حدود ۵۲ میلیون نفر در سال ۱۳۶۸ رسیده بود (با فرض میانگین ۳ درصد نرخ رشد سالانه)، در ۹ سال بعد یعنی ۱۳۷۷ تنها حدود ۹ میلیون نفر افزایش یافت و تقریبا به ۲۶میلیون نفر رسید.

از سویی، رشد فراگیر تعداد انواع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (روزانه، شبانه، آزاد، پیام نور، جامع علمی- کاربردی، غیرانتفاعی و…) در دهه ۱۳۷۰ تاکنون رخ داده است که در دهه ۱۳۷۰ تشدید هم شد. چنانکه اکنون دانشگاه‌ها در دوره‌های کارشناسی با مشکل صندلی‌های خالی روبه‌رو هستند. بدین ترتیب، امکان ادامه تحصیل دانشگاهی برای این نسل، بیش از گذشته فراهم شد و در نتیجه از تعداد سربازان صفر کاسته و به افسران وظیفه افزوده شد. این روند چنان بود که نیروهای نظامی و انتظامی برای رعایت نسبت استاندارد تعداد افسران کادر به وظیفه، ناچار شدند درجه افسران وظیفه را تنزل دهند. اکنون نیز این نیروها با کاهش شدید تعداد سربازان صفر روبه‌رو هستند.

اگر میانگین نرخ رشد جمعیت در دهه ۷۸-۱۳۶۸، سالانه ۱/۵ درصد فرض شود که حدود نیمی از آنان پسر هستند، با محاسبه میانگین جمعیت افزایش‌یافته سالانه یک میلیون نفر، بعد (در هر سال) داشته‌ایم که بیشتر آنها امکان ادامه تحصیل دانشگاهی داشته‌اند (فارغ از کیفیت دوره‌های تکمیلی که گذرانده‌اند و محل تردید است). پس در مجموع حدود ۵ میلیون فرزند پسر در دهه یاد شده به دنیا آمده‌اند که از سال ۱۳۸۶ به‌تدریج وارد دوره خدمت سربازی شده‌اند و می‌توان میانگین سالی ۰/۵ میلیون نفر ورودی را به نظام وظیفه در نظر گرفت.

کاهش فشار بودجه‌ای روی دولت، کاهش مدت سربازی یا تعداد سربازان در حال خدمت در هر زمان است که با حرکت به سمت استفاده بهینه از وقت و مهارت‌های سربازی می‌توان براحتی با سربازهای کمتر یا زمان خدمت کمتر همان عملکرد فعلی را داشت.

■ **طرح «سرباز صنعت»**

«سرباز صنعت» یکی دیگر از طرح‌هایی است که از سوی کارشناسان اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران تهیه شده است؛ که با اجرایی‌شدن این طرح سربازان پس از گذراندن دوره‌های آموزشی به جای تقسیم‌بندی در پادگان‌ها در کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی مشغول شوند تا بتوانند پس از گذراندن دوره خدمت سربازی، کارآفرینی کنند یا در همسان کارخانه یا واحد صنعتی فوق جذب و به کار گرفته شوند. این طرح قرار است در آینده‌ای نزدیک به وزیر کشور و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ارائه شود.

ارائه این طرح آنجا مهم است که درشرایطی که ارتباط میان دانشگاه و صنایع در ایران بسیار ناچیز بوده و حتی آن را می‌توان صفر قلمداد کرد، گذراندن دوره خدمت در واحدهای صنعتی تا حدودی می‌تواند این نقیصه را جبران کند و حتی به اشتغال بینجامد.

البته طرح کامل شده این مدل را می‌توان «سرباز حرفه‌ای» یا «سرباز تخصصی» نامید. الگوی مزبور امروز شایع‌ترین مدل‌های خدمت سربازی در جهان است که البته دارای مزایا و همچنین معایبی است. از مهم‌ترین مزایای این سیستم می‌توان به: افزایش کارآمدی نیروهای مسلح به دلیل تخصصی شدن خدمت، انگیزه بالای سربازان به دلیل اختیاری شدن خدمت، استفاده از فناوری‌های نوین، کاهش ریسک امنیتی و دفاعی، کاهش هزینه‌های اقتصادی دولت، کاهش تخلفاتی مانند فرار از خدمت و غیبت و…، افزایش همبستگی سازمانی و کاهش تلفات انسانی اشاره کرد.

همچنین بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی این نوع الگو معایبی دارد که عبارتند از: محروم ماندن از نیروهای مرددی و داوطلب، ضعف فرهنگسازی امنیت و دفاع در میان جامعه و جوانان، افزایش بودجه نظامی در برخی موارد و ضعف در تربیت جوانان و جامعه‌پذیری.

اگرچه در این بین مسؤولان نظام وظیفه همواره تاکید بر معایب این طرح دارند اما اگر نگاهی به آمار و ارقام «منتشر شده» کنیم، می‌توان معایب رونه فعلی را به‌روشنی دید به طوری که اگر تعداد سربازان در هر سال را ۸۰۰هزار نفر در نظر بگیریم، که هر سرباز ۸هزار ساعت باید به صورت اجباری خدمت کند، به طور متوسط هزینه هر سرباز در هر ساعت ۳۰۰تومان و ماهانه ۰۷هزار تومان است که به هزینه‌ای سالانه نزدیک به ۲۴۰۰ میلیارد تومان می‌رسیم؛ هزینه‌ای که قطعا با توجه به بهره‌وری پایین سربازان قابل تامل است.

■ **طرح «صندوق سربازی»**

ایجاد «صندوق سربازی» یکی دیگر از راهکارهایی است که چندی است از سوی کارشناسان ارائه شده است و سازو کار آن به این صورت است که مشمولانی که تمایل به معافیت از سربازی دارند، هزینه ۲ سال سربازی خود را به این صندوق پرداخت کنند و از سویی دیگر افرادی که داوطلبانه سربازی را انتخاب کرده‌اند، حقوقی را که «هم‌اکنون» در قانون پیش‌بینی شده است، به همین صندوق دریافت کنند.

البته نکته قابل تامل این طرح اینجاست که نصف این طرح هم‌اکنون با عنوان «طرح جریمه سربازان غایب» در حال انجام است اما پولی که دریافت می‌شود طبق گفته مسؤولان نظام وظیفه، به جیب دولت واریز می‌شود!ا سند این ادعا آنجاست که اوایل مهرماه سال گذشته بود که حمیدصدرالسادات، رئیس سازمان وظیفه عمومی در نشستی در باشگاه خبرنگاران در بخشی از اظهارات خود با اشاره به طرح خرید سربازی می‌گوید: تاکنون ۲۳ هزار میلیارد ریال واریزی از طریق پرداخت جرایم غیبت سربازی داشتیم که تمام این واریزی‌ها به حساب خزانه دولت واریز شد. به نظر می‌رسد اگر این هزینه که طبق آخرین آمار جاننشین رئیس سازمان وظیفه ناجا نزدیک به ۳۰ هزار نفر برای طرح جریمه سربازی ثبت‌نام کرده‌اند به جای واریز به خزانه دولت به این صندوق رود، می‌توان با حقوق واقعی سربازان که طبق ماده ۴۹ قانون نظام وظیفه: «حقوق سربازان وظیفه حداقل ۶۰ درصد و حداکثر ۹۰ درصد حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری است» بدون شک می‌توان مشکلات معیشتی سربازان بویژه سربازان متاهل را حل کرد.

■ **طرح بهینه‌شده برای سربازی**

به هسر حال آنچه در این گزارش آورده شد، هزینه- فایده الگوهای فعلی برای جایگزین کردن خدمت وظیفه فعلی است؛ صرف هزینه سالانه قابل تامل اندک و بسیار کم است. سربازان به دلیل بالا بودن تعداد نفرات و هزینه سرسام‌آوری که می‌توان با مدلی «بهینه‌شده» آن را کاست و خدمتی باکیفیت‌تر برای نظام مقدس سربازی طراحی کرد.

اشاره
<div><div></div>گوشه‌ای از خاطرات شهید بهشتی</div>
<div><div></div>قاطعیت در برخورد با دشمن</div>
یکی از خاطراتی که هرگز فراموش نمی‌کنم، مربوط به سخنرانی پرشوری است که ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۴۳ در مدرسه چهارباغ اصفهان که نام فعلی آن امام جعفر صادق علیه‌السلام است، داشتم. جلسه پرشور و باشکوهی بود. در آن سخنرانی مردم را به انقلاب دعوت کردم و تحت عنوان این مطلب که انسانی که در این روز متولد شده (۱۷ ربیع‌الاول) پیام‌آور بوده است، صحبت را به اینجا کشیدم که این پیام‌آور فرموده است: انقلاب را با رساندن پیام خدا و پیام‌فطرت‌پذیر آغاز کنید و ادامه دهید اما هر وقت دشمنان خدا و دشمنان انسانیت سر راهتان ایستادند و خواستند ندای حق شما را در گلو خفه کنند، آن وقت آرام ننشینید، سلاح به دست بگیرید و با آنها بجنگید!وقتی بحث به اینجا کشید، چون مأموران امنیتی در آنجا بودند جلسه متشنج شد و یادداشتی به من دادند که شب‌الین ناراحت هستند. منظورشان هم این بود که بحث را برگردانم. اما من روا نمی‌دانستم که بحث را عوض کنم و آن را به پایان رسانم. بعد از اینکه از جلسه بیرون آمدم، ماموری آمد که مرا دستگیر کند ولی نشد. بنده به منزل رفتم، بعد آنها آمدند و مرا در منزل دستگیر کردند و به شهرپانی و بعد به ساواک اصفهان بردند. رئیس ساواک گفت: من متدین هستم و به دین اسلام علاقه دارم، حتی شما می‌توانید از علمای اینجا بپرسید که آرامش اینجا را من حفظ کرده‌ام. بعد گفت: شما مثل اینکه مأموریت داشتید بیاید و این شهر را به هم بریزید و مردم را به جنگ مسلحانه دعوت کنید. من در جلسه بودم اما از آنجا که بحث به اینجا رسید، دیگر دیدم که نباید بمانم و از جلسه خارج شدم و گفتم: نوار آن را بیابورند تا من گوش کنم. گفتم چه شما هنوز نوار را گوش نکرده‌صحت می‌کنید، چه اشتباهی؟! فعلا بگذارید آنهاپی که آنجانگفتم! اینجا برای‌تان بگویم. شروع کردم برای‌شان صحبت کردن، معاونش آمد و گفته‌هایم را یادداشت کرد. گفتم شما به این ملت چه می‌گویید؟ آیا یک ملت مرده می‌خواهید در این کشور باشد. ما می‌گوییم ملت ما باید یک ملت زنده باشد. آن روز برای چندمین بار – چون اولین بار نبود که مرا ساواک احضار می‌نمود- تجربه کردم که اگر انسان مؤمن و مبارز، در برخورد با دشمن با قوت و قدرت نفس سخن بگوید چطور می‌تواند او را حتی پشت میز ریاستش مرعوب کند. این آقای سرهنگ پس از اینکه دیدم من با قاطعیت به او صحبت می‌گویم که این انقلاب برای آن است که از این مردم انسان‌هایی بسازد که در برابر هر دشمنی از خودشان دفاع کنند، تحت تاثیر قرار گرفت و گفت اگر روحانیون با این شیوه با مسائل برخورد کنند، این برای ما یک مدنی دیگری پیدا خواهد کرد و من حس کردم آن باقی‌مانده فطرتی که در اعماق روح این افراد مانده بود، متاثر شد و توالست چیزی را که هرگز انسان انتظار ندارد از رئیس ساواک یک استان بشنود از زبان او بشنوم. ^(۱)
<div><div></div>تمایز جامعه اسلامی و غربی</div>
در سفری که به ترکیه داشتیم، در راه آنکارا در یکی از شهرهای جنوبی شبی را گذرانیدیم. صبح که می‌خواستیم زودتر حرکت کنیم پسر کوچکم اظهار تشنگی کرد. به مغازه‌ای رفتم و نوشابه‌ای برای او گرفتم. کیفی را که مبلغ کمی پول و تمام اسناد- از گذرنامه گرفته تا اسناد ماشین- در آن بود در همان مغازه فراموش کردم و حرکت کردیم. حدود ۲۵۰ کیلومتر که از آن محل دور شده بودیم برای خوردن صبحانه نگه داشتیم. در روی عادتی که داشتم دست بردن تا کیفم را برادم دیدم نیست! یادم آمد که در آن در همان مغازه جا گذاشته‌ام. با سرعت مسافت طی شده را برگشتم. با خودفکرمی کردم‌ای کاش آن مختصر پول در کیف نبود که اگر نبود شاید آن کیف گم نمی‌شد. من بیشتر نگران اسنادی بودم که داخل کیف بود، چرا که بدون آنها مسافرت ما به هم می‌خورد. وارد آن مغازه که شدم، دیدم صاحب مغازه مثل آنکه نعمت بزرگی به او داده باشند با چهره‌ای باز جلو آمد و با زبان ترکی به سختی به من فهماند که بعد از رفتن شما- وقتی متوجه کیف شدم- متأسفانه خیلی دور شده بودید. به محل‌های میان راه هم تلفن کردم اما چون شماره ماشین را نداشته‌م، نتوانستم. به شما خبر بدهم، کیف را آورد و من دیدم که همه چیز در آن است. خواستم هدیه یا انعامی به او بدهم، ولی او قبول نکرد! این اتفاق در یک کشور اسلامی، روی پسر کوچکم بسیار اثر گذار. اتفاقاًاین مساله مدتی بعد دوباره برایم اتفاق افتاد ولی این بار در هامبورگ چیزی را گم کردم، هر چه به دنبال آن رفتم و سراغش را نداشتم، نتوانستم. پیدا نکردم. در این هنگام بود که پسر کوچکم به من گفت: پدر! بین آنجا که مسلمانان زندگی می‌کردند چقدر عالی بود، وقتی کیفمان گم شده بود آن را به ما دادند و ما را از نگرانی رهاپندند اما اینها چنین نکردند. ^(۲)
<div><div></div>بی‌نوبت</div>
<div><div></div>۱-مجله شاهد، شماره ۷، مورخ ۱۳۸۱/۳/۶۱</div>
<div><div></div>۲- حج در قرآن، شهید دکتر محمد حسینی‌بهشتی، ص ۶۰، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بهار ۱۳۷۷، چاپ دوم.</div>